

مبنای قاعده تفسیر علیه انشاء کننده در قرارداد بیمه و سایر قراردادها در نظام حقوقی ایران

هادی ملک*^۱، حسین انگورج تقوی^۲

۱- دانشجوی مقطع کارشناسی ارشد، رشته حقوق مالی اقتصادی، دانشگاه آزاد واحد الکترونیکی، ایران، تهران

hadi.malek694@gmail.com

۲- استاد یار دانشگاه آزاد اسلامی واحد چالوس، ایران، چالوس

Dr.taghavi9@gmail.com

چکیده

زندگی بشر همواره در معرض خطرات و زیان های غیر قابل پیش بینی قرار دارد. یکی از مهم ترین و پرکاربرد ترین روشی که انسان برای مقابله با خطرات اجتناب ناپذیر برگزیده است عقد بیمه است. در عقد بیمه با انعقاد قرارداد با شرکت های بیمه، جبران نتایج و خطرات ناشی از حوادث موضوع بیمه به شرکت بیمه منتقل می شود. عقد بیمه همانند سایر عقود ممکن است در مرحله اجرا دارای ابهام و اجمال باشد که نیاز به تفسیر در چنین مواردی ناگزیر می نماید. از آن جا که ماهیت و ویژگی قراردادهای بیمه با سایر قراردادها متفاوت است. که این تفاوتها به اصولی اساسی حاکم بر عقد بیمه باز می گردد و از جمله این اصول، ویژگی الحاقی عقد بیمه، اصل حسن نیت و جبران خسارت، ... اشاره کرد که این تمایزات باید در روند تفسیر مورد توجه قرار گیرند. از طرف دیگر، پیچیدگی این نوع قراردادها و موقعیت برتر اطلاعاتی و اقتصادی شرکت های بیمه، بیمه گذاران را در وضعیت نابرابری قراردادها قرار داده است. مجموعه این عوامل ضرورت استفاده از بعضی ابزارهای حمایتی به منظور اصلاح این ساختار ناعادلانه و حمایت از بیمه گذاران و ذینفعان بیمه را اجتناب ناپذیر می نماید. یکی از این قواعد و ابزارهای حمایتی استفاده از قاعده «تفسیر علیه انشاء کننده قرارداد» در عقد بیمه است. استفاده از این قاعده موجب تعادل قراردادی و عدم برخورد زیان دیده و بیمه گذار با اعسار و تنگ دستی عامل زیان در هنگام وقوع خسارت می گردد. دادگاه نیز در برخورد با مسئول حادثه ای که دارای پوشش بیمه ای است با وسعت نظر خسارات را ارزیابی کرده و جبران خسارت تسهیل می گردد.

کلمات کلیدی: انشاء کننده قرارداد، قرارداد بیمه، تفسیر علیه انشاء کننده

۱- مقدمه

اشخاص برای رسیدن به اهداف خود روزانه قراردادهای متعددی را منعقد می کنند. گاهی خواسته مشترک خود را به صورت شفاهی و گاهی نیز به صورت کتبی بیان می کنند. هدف طرفین از انعقاد قرارداد رسیدن به نتایج و آثار ناشی از آن است. بدیهی است که حصول آثار و نتایج قرارداد منعقد منوط به اجرای آن است و اجرای قرارداد نیز منوط به این است که مفاد

* Corresponding author: هادی ملک دانشجوی مقطع ارشد رشته حقوق مالی اقتصادی

Email: hadi.malek694@gmail.com

دستاوردهای نوین در مطالعات علوم مدیریت، حسابداری و اقتصاد ایران

قرارداد مشخص و فاقد ابهام باشد. اما در مواردی به دلایلی قرارداد دارای ابهام یا اجمال بوده و زمینه را برای تفسیر فراهم می‌کند. عواملی که موجب بروز اختلافات و نارسایی‌ها در قرارداد می‌شود، این است که گاهی تنظیم‌کنندگان قرارداد که اغلب از قوانین آگاهی کافی ندارند) الفاظ و عبارات نامناسبی را به کار می‌برند و گاهی به کلیات اکتفا می‌کنند و گاهی نیز به نفع خود قسمتی از توافق در قرارداد تصریح نمی‌کنند (اسلامی و همکاران، ۱۳۹۸: ۵۲).

یکی از قراردادهای غیر منتظره‌ای قرار دارد و غالب فعالیت‌های انسان نیز مخاطر آمیز هستند با پیشرفت صنعت و تکنولوژی میزان درگیری انسان با حوادث نیز افزایش یافته است و انسان به طور فطری از خطرات و خسارات حاصل از فعالیت‌های خودگریزان است به همین دلیل در تلاش است که فضای زندگی خویش را از گزند تاثیر خطرات محفوظ نگه دارد. بشر در رویایی و مقابل با خطرات و آثار آن از روش‌های متفاوتی استفاده مینماید و گاهی از رویایی با آن اجتناب می‌کند و گاهی از بروز آن پیشگیری یا سعی در کاهش آن دارد. گاهی نیز منابع مالی کافی برای تامین خطرات و خسارت غیرقابل اجتناب فراهم می‌سازد. گاه نیز با ایجاد صندوق مالی فرد ممکن است وقوع خطر را بپذیرد یا ممکن است نتایج ناشی از این حوادث به طرف دیگر منتقل سازد. یکی از رایج ترین و پرکاربردترین روش انتقال خطر، عقد بیمه است در قرارداد بیمه اشخاص با انعقاد قرارداد، جبران نتایج و خطرات ناشی از حوادث موضوع بیمه را به شرکت بیمه منتقل می‌کند (قاسمی، ۱۳۹۸: ۸۱).

تعریفی که با توجه به ماده یک قانون بیمه، می‌توان ارائه نمود چنین است: «بیمه عقدی است که به موجب آن یک طرف تعهد می‌کند که در مقابل پرداخت وجه یا وجوهی از طرف دیگری، در صورت وقوع یا بروز حادثه، ضرر وارده بر او را جبران نماید یا بپردازند.» متعهد را بیمه گر و طرف تعهد را بیمه‌گذار می‌نامند. عقد بیمه نیز همانند سایر قرارداد ممکن دارای ابهام و اجمال باشد و در نتیجه ابهام و اجمال قرارداد اختلافاتی نسبت به آثار و موضوع و حقوق و تعهدات طرفین در برابرهم بروز کند و زمینه برای تفسیر توسط مراجع قضایی فراهم شود. در قانون مدنی مواد و ضابطه صریحی برای تفسیر قراردادها وجود ندارد و حقوقدانان ضوابط و معیارهای را تعیین نموده که در مورد همه قراردادها مشابه اعمال می‌شود (دیلیمی، ۱۳۸۸، ۷۶). لذا سوالی که به ذهن خطور می‌کند این است که آیا در قراردادهای بیمه با توجه تفاوتی که از حیث شرایط تشکیل و تعهدات طرفین در مقابل هم و ضمانت اجرای عدم انجام تکالیف و آثار و اصول حاکم بر آن (از جمله اصل حسن نیت، اصل ذی نفعی، اصل جبران خسارت، اصل احتمالی و اتفافی موضوع خطر، و عواملی هم چون الحاقی و تحمیلی بودن قرارداد بیمه و موقعیت برتر بیمه گر نسبت به بیمه‌گذار از حیث اطلاعات و وضعیت اقتصادی و حرفه و تخصص بیمه گر و پیچیدگی قرارداد بیمه و هم چنین غیر تجاری بودن عقد بیمه و ارتباط آن با نظم عمومی و حقوق اشخاص ثالث)، آیا باید از قرارداد بیمه نیز تفسیر همانند سایر قراردادها نمود یا اینکه ویژگی و اصول حاکم بر قرارداد بیمه ایجاب می‌کند که تفسیری متفاوتی متناسب با ویژگی قرارداد بیمه به عمل آورد؟

۲- قاعده تفسیر علیه انشاء کننده

با توجه به اصول حاکم بر عقد بیمه و فلسفه وجودی عقد بیمه نمی‌توان از قواعد عمومی قراردادها برای تفسیر عقد بیمه استفاده نمود. زیرا در گذشته طرفین از لحاظ موقعیت اقتصادی و اطلاعاتی در جایگاه یکسانی بودن اما امروزه با تحولات اقتصادی و توسعه جوامع در مورد اکثر قراردادها امکان مذاکره مستقیم درباره شروط قرارداد و تغییر و تعدیل آنها وجود ندارد. بنابراین در چنین قراردادهای که نابرابری چشمگیری از لحاظ قدرت مذاکره بین طرفین وجود دارد، نمی‌تواند با قراردادهای سنتی یکسان باشد. به عبارت دیگر اتکای مطلق بر اصل آزادی قراردادی و حاکمیت اراده در این گونه قراردادها نادرست است، زیرا حاکمیت اراده متعلق به حقوق قراردادهای سنتی است که در آنها فرقی نمی‌کند، طرفین قرارداد چه

دستاورد های نوین در مطالعات علوم مدیریت، حسابداری و اقتصاد ایران

کسانی هستند و یا موضوع قرارداد چیست، در هر حال با قرارداد برخورد حقوقی یکسانی می‌شود. در حالی که موضوع نابرابری توان اقتصادی و معاملاتی طرفین قرارداد مستلزم رویکرد ویژه در حقوق قراردادهاست (خدابخشی، ۱۳۹۳: ۲۸). از میان این قراردادهای نابرابر می‌توان به بیمه نامه اشاره کرد بیمه گذاران در تقابل با شرکت‌های بیمه‌ای قرار دارند که از بسیاری جهات نسبت به آنان در موضع ضعف قرار دارند. علاوه بر این قرارداد بیمه از لحاظ فلسفه وجودی آن و کارکرد اقتصادی شان از اهمیت ویژه‌ای برخوردارند. پذیرفتن این مساله که در عقد بیمه، عقدی آزاد است در ردیف عقود دیگر مانند بیع و معاوضه قرار گیرد غیر واقع بینانه است چه بسا بیمه یک عقد تخصصی است و متقاضی در موارد عدیده، حتی نمی‌داند چه چیزی را امضاء می‌کند تا چه برسد که بتواند در مورد شرایط و وضعیت قرارداد بیمه با بیمه گر به چانه زنی بپردازد. این دلایل ضرورت استفاده از بعضی ابزارهای حقوقی را به منظور حمایت از بیمه گذاران و ذی نفعان بیمه را به منظور اصلاح این ساختار ناعادلانه توجیه می‌کند یکی از ابزارهای حمایتی که می‌تواند به تعادل قراردادی بینجامد استفاده از قاعده تفسیر علیه انشاءکنندگان قرارداد است. در خصوص لزوم تفسیر علیه انشاءکنندگان، ضرورت‌های مشترکی موجب شکل گیری اراده مشترک بر لزوم استفاده از این قاعده در سیستم‌های حقوقی مختلف شده است که از آن جمله می‌توان به حمایت از طرف ضعیف در قراردادها و ایجاد شفافیت در متن قرارداد و ایجاد عدالت قراردادی و... اشاره نمود. از لحاظ تاریخی، شکل گیری و توسعه استفاده از این دکترین عموم معلول گسترش قراردادهای بیمه و توسعه قراردادهای الحاقی و قراردادهای استاندارد و... است (درویان، ۱۳۸۸: ۶۹).

۳- مفهوم قاعده تفسیر علیه انشاءکننده و سیر تاریخی آن

در این قسمت به بررسی مفهوم قاعده تفسیر علیه انشاءکننده و سیر تاریخی آن می‌پردازیم. به همین دلیل بند اول این قسمت را به مفهوم و بند دوم آن را به سیر تاریخی آن اختصاص داده ایم. در ادامه نیز شیوع قراردادهای الحاقی را که از عوامل توجه به این قاعده است را مورد بررسی قرار می‌دهیم.

۳-۱- مفهوم قاعده

این قاعده در انگلیسی *contra proferentem* نام دارد به معنای تفسیر علیه انشاءکننده قرارداد، معنی شده است. قاعده‌ای است که به موجب آن در تفسیر قراردادها، هنگامی که یک تعهد، قرارداد یا شرط مبهم باشد، معنایی مرجح است که علیه انشاءکننده آن کلمات باشد. با وجود این که این قاعده در اغلب موارد در قراردادهای استاندارد و قرار دادهای یک طرفه به کار می‌رود اما قابلیت اعمال در تمامی اقسام قراردادها رو دارد. در واقع استفاده از این قاعده در قراردادهای استاندارد یا سایر قراردادها موجب شناسایی نوعی مسئولیت محض برای نویسنده قرارداد با شرط می‌شود. چرا که در عمل در صورت وجود ابهام در قرارداد بدون نیاز به احراز هیچ نوع تقصیری از سوی انشاءکننده باشد، مورد ابهام به ضرر وی تفسیر می‌گردد. از این قاعده در غالب اسناد بین المللی که به منظور وحدت قراردادهای بین المللی تهیه شده منصوص شده است. به طور مثال در ماده ۶ از فصل ۴ اصول قراردادهای تجاری بین المللی، تحت عنوان قاعده تقدم تفسیر به زیان تنظیم کننده قرارداد بیان گردیده است: «که اگر شروطی از قرارداد که توسط یک طرف ارائه شده است واضح نباشد، تفسیر آن شروط علیه طرف مزبور مرجح خواهد بود». در توضیح ماده مذکور گفته شده است که ممکن است یکی از طرفین قرارداد به دلیل انشاء شروطی خاص یا پیشنهاد آن، برای مثال با استفاده از شروط استاندارد که توسط دیگران تهیه شده، مسئول تنظیم آن قرار گیرد. چنین طرف قراردادی باید مسئولیت واضح نبودن احتمالی جمله بندی نهایی انتخاب شده را بپذیرد.» از مباحث گفته شده می‌توان در تعریف قاعده تفسیر علیه انشاءکننده بیان داشت «قاعده‌ای است بر طبق آن، در مواردی که قرارداد دارای ابهام و

دستاورد های نوین در مطالعات علوم مدیریت، حسابداری و اقتصاد ایران

اجمال و خلاء باشد، این ابهامات و خلاءهای قراردادی علیه انشاءکننده آن تفسیر خواهد شد» (حمیدیان و همکاران، ۱۳۹۹: ۴۷).

۳-۲- سیر تاریخی قاعده

سیر تاریخی شکل گیری قاعده تفسیر علیه انشاءکننده معلول تغییر و تحولاتی است که در ساختار قراردادهای در اواخر قرن نوزدهم و بیستم به وجود آمد. در اواخر قرن نوزدهم و اوایل قرن بیستم انعقاد قراردادهای بیمه عمر به صورت قراردادهای که امکان تغییر شرایط آن از سوی بیمه‌گذار وجود نداشت توسعه چشمگیری یافت، این مسئله باعث گردید که نویسندگان حقوقی انتقاداتی در خصوص یک طرفه بودن این قرارداد مطرح کنند، در همین زمان شرکت بیمه شروع به فروش بیمه نامه‌های آتش سوزی نیز نمودند که در آن شروطی درج شده بود که طبق آن در صورتی که اقدام بیمه‌گذار تفاوت جزئی با شروط مندرج در قرارداد بیمه را داشت، بیمه‌گر از جبران خسارت معاف می‌گردید. بر همین مبانی بود که پرونده فرست نشنال بانک، دادگاه از پذیرش تفسیر بیمه‌گر در مورد یک شرط مبهم در خصوص موارد عدم پوشش بیمه خودداری نمود. در واقع با این که خود دادگاه اذعان داشت که تفسیر بیمه‌گر از عبارت مبهم، بهتر از تفسیر بیمه‌گذار از این عبارت است، اما دادگاه به دلایل ذکر شده، همچون یک طرفه بودن قرارداد و... این ابهام را به ضرر بیمه‌گر تفسیر نمود. این مسئله آغاز رویه قضایی در خصوص قاعده تفسیر علیه انشاءکننده بود. با وجود این، نمونه این گونه قراردادهای در حقوق آمریکا محدود به این قراردادهای بیمه نبوده است، لذا قاعده تفسیر علیه انشاءکننده، پس از رای فرست نشنال بانک، در خصوص سایر قراردادهای مشابه از جمله قراردادهای رهنی، قراردادهای اجاره، قراردادهای کار، اوراق قرضه و... مورد استفاده دادگاه قرار گرفت (آناهد و همکاران، ۱۳۹۵: ۱۰۶).

۳-۳- شیوع قراردادهای الحاقی

در آغاز قرن بیستم و توسعه و تولید و مصرف انبوه محصولات، انعقاد قراردادهای یک طرفه رو به امری روزمره تبدیل کرد. در همین دوره بود که دکترین حقوقی به این قراردادهای توجه بیشتری نشان دادن و برای اولین بار مفهوم قراردادهای الحاقی در آثار حقوقی به کار رفت. در پی این تحولات بود که امکان اعمال دکترین تفسیر علیه انشاءکننده از سوی رویه قضایی نیز مورد توجه قرار گرفت. در این دوره قراردادهای به قرارداد معمولی و قراردادهای که احتمال الحاقی بودن آنها می‌رفت، تقسیم گردید. با توجه به اینکه دکترین تفسیر علیه انشاءکننده تنها در قراردادهای الحاقی قابل اعمال بود؛ لذا تعریف این قراردادهای اهمیت چشمگیری پیدا کرد. در این دوره قراردادهای الحاقی شمرده می‌شدند که در آنها یکی از طرفین از قدرت کافی برای تغییر آن بهره مند نبود. در عین حال در صورتی که ثابت می‌شد که تحویل کالا و خدمات منوط به امضای یک جانبه بوده است، چنین قراردادی نیز الحاقی می‌شد. (خدابخشی، ۱۳۹۳، ۶۲).

۴- مبنای قاعده تفسیر علیه انشاءکننده در قراردادها

دلایلی چندی موجب استفاده از قاعده تفسیر علیه انشاءکننده، شده است که برخی از این دلایل عام بوده است و شامل هر نوعی قرارداد الحاقی می‌گردد برخی دلایل فقط مختص عقد بیمه می‌باشد. به همین دلیل به منظور رعایت ترتیب و نظم مطالب آن را در دسته بندی جداگانه‌ای مورد بررسی قرار می‌دهیم.

۴-۱- کنترل انشاء کننده قرارداد

مهم ترین و متداول ترین دلیلی که در توجیه استفاده از دکتین تفسیر علیه انشاء کننده بیان شده است نظریه کنترل است. البته بر این مبنا انتقاداتی منطقی نیز وارد است به طور مثال در مواردی که طرفین قرارداد انشاء توافق خود را به یکی از طرفین سپرده اند و علت انشاء قرارداد از سوی یکی از طرفین قدرت معاملاتی غالب وی نیست، و نمی توان به این مبنا استناد نمود و دلیل بر قدرت برتری وی دانست. البته توجه به میزان کنترل انشاء کننده قرارداد به جای توجه به صرف نفس انشاء کننده قرارداد انتقادات پیش گفته را خنثی می کند. در واقع در این دیدگاه، تفسیر علیه انشاء کننده آخرین اقدام میان طرفین برابر بوده است، چرا که توانایی طرف غیر انشاء کننده بر چانه زنی، قدرت کنترل انشاء کننده را خنثی می کند، اما این پاسخ در قراردادهای که کنترل کامل آن در دست یکی از طرفین بوده است صادق نیست. باید گفت که مبنای اصلی اعمال این قاعده، کنترل انشاء کننده بر قرارداد است اما مبنای منحصر به فرد آن نمی باشد، در نتیجه اعمال این دکتین، ابهامات قراردادی را کاهش یافته است و جریان اطلاعات به سمت طرف ضعیف تر قرارداد تسهیل می شود. چرا که انشاء کننده قرارداد فردی است عاقل و تلاش می کند تا با کاهش موارد ابهام در متن قرارداد و ارائه اطلاعات به طرف مقابل، خود را از مسئولیت ناشی از تفسیر موارد ابهام علیه وی برهاند (علایی، ۱۳۹۳: ۳۸).

۴-۲- کاهش ابهام در قرارداد

این استدلال که دکتین تفسیر علیه انشاء کننده موجب تشویق انشاء کننده قرارداد به ایجاد شفاف سازی بیشتر در قرارداد می شود، قدمتی به اندازه خود این دکتین دارد. در واقع در پیش گرفتن چنین تفسیری موجب می شود که انشاء کننده قرارداد انگیزه منطقی و کارآمدی را برای ایجاد شفافیت بیشتر در قرارداد کسب نماید. در واقع قراردادن این مسئولیت بر دوش شرکت های بیمه گر و هم چنین تنظیم کنندگان قراردادهای الحاقی منطقی است، چرا ایشان امکانات و تجربه مناسب تری در این زمینه نسبت به طرف مقابل در اختیار دارند؛ لذا باید پذیرفت که وجود چنین مسئولیتی برای طرف انشاء کننده قرارداد، موجب می شود که وی تلاش بیشتر و مناسب تری نسبت به رفع ابهامات از متن قرارداد نماید (شیخی و همکاران، ۱۴۰۱: ۴۹).

۴-۳- الزام به ارائه اطلاعات قراردادی

در ابتدای قرن بیستم تصور بر این بود که قواعد پیش فرض تنها در مواردی که قرارداد ساکت است و به منظور تکمیل قرارداد به کار می رود و قواعد پیش فرض باید مشابه آن چیزی باشند که طرفین خود در صورت مذاکره به آن می رسیدند؛ اما در دهه هشتاد پیشنهاد وضع قواعدی پیش فرض به صورت اجباری نیز از سوی دکتین مطرح گردید که مبنای آن این بود که اصولاً برخی قواعد پیش فرض به این منظور وضع می شوند تا برخی شروطی را که طرفین تمایلی به آن ندارند را بر ایشان تحمیل کنند. نویسندگان قاعده تفسیر علیه انشاء کننده را مثال واضحی از این قواعد می دانند، که موجب می گردد که انشاء کننده قرارداد آن را به نحوی واضح تری تنظیم کند (سربازیان و همکاران، ۱۳۹۶: ۱۲۶).

۵- مبنای قاعده تفسیر علیه انشاء کننده در قرارداد بیمه

عوامل چندی موجب استفاده از قاعده تفسیر علیه انشاء کننده در قرارداد بیمه شده است. برخی از این عوامل مبنای قراردادی و برخی دیگر مبنای غیر قراردادی دارند. بر همین اساس به بررسی مبنای قراردادی و مبنای غیر قراردادی این قاعده در قرارداد بیمه پرداختیم.

۵-۱- مبانی قراردادی

الف- مبتنی بر حسن نیت بودن عقد بیمه:

از یک دیدگاه کلی می توان گفت که حسن نیت به دو طریق و شیوه در قراردادهای کاربرد دارد. به عبارت دیگر حسن نیت در قراردادهای در دو چهره متفاوت ظاهر شده و مورد توجه قانونگذار و حقوقدانان قرار گرفته است و غالباً از عنوان « حسن نیت در قراردادهای » و تکلیف طرفین قرارداد به رعایت حسن نیت مراد می شود و از این حیث مورد بررسی قرار می گیرد. چهره دیگر حسن نیت آن است که حسن نیت یکی از طرفین قرارداد موجب حمایت قانونگذار از او می گردد. در این چهره معمولاً حسن نیت در میزان مسئولیت موثر بوده و قانونگذار مسئولیت کمتری برای فرد با حسن نیت نسبت به شخص که فاقد حسن نیت است مقرر می کند. تمام قراردادهای و روابط باید مبتنی بر حسن نیت باشد ولی در بیمه، حسن نیت از عوامل اساسی تنظیم رابطه بین طرفین است. برای بیمه گر این امکان وجود ندارد که قبل از صدور بیمه نامه و قبول تعهد جبران خسارت احتمالی هر یک از اموالی که برای بیمه کردن به او عرضه می شود از نزدیک ملاحظه و کیفیت خطر آن را ارزیابی کند. لذا از نظر قانون بیمه وظایفی برای طرفین قرارداد در نظر گرفته شده که به شرح زیر است:

□ اصل حسن نیت در مورد بیمه گذار: بیمه گذار موظف است که هنگام قرارداد بیمه کلیه اطلاعاتی که در خصوص مورد بیمه دارد (که موثر در ارزیابی خطر است) با کمال درستی و صداقت اظهار کند، به طوری که بیمه گر با بهره گیری از این اطلاعات بتواند اهمیت خطری را که مورد پوشش قرار می دهد، تشخیص دهد.

□ اصل حسن نیت در مورد بیمه گر: بیمه گر موظف است که در سند بیمه هر آنچه را نشان دهنده تعهدات است، چه از لحاظ کمی و چه از نظر کیفی، به وضوح ذکر کند و مواردی که به نحوی از انحاء در صورت بروز حادثه می تواند موثر در پرداخت خسارت باشد در بیمه نامه قید نماید، به طوری که تعهدات بیمه گر از هر جهت به وضوح برای بیمه گذار معین و مشخص باشد. مواد ۱۱، ۱۲، ۱۸ قانون بیمه به صراحت و شفافیت تمام اصل حسن نیت در بیمه را بیان می کند. نظارت بر اجرای اصل حسن نیت بیمه گران در ایران بر عهده سازمان بیمه مرکزی ایران است. حسن نیت در قراردادهای ابراری سودمند برای تغییر شرایط قرارداد و برقراری تعادل و توازن در رفتارهای طرفهای قرارداد و از همه مهم حمایت از بیمه گذار در مقابل طرفهای قوی قرارداد محسوب می شود (عسکری، ۱۳۹۱: ۵۲).

هر چند در قانون بیمه ایران مصوب اردیبهشت ۱۳۹۶ تنها بیمه گذار مکلف به رعایت حسن نیت، به دلیل آن که بیشترین حقایقی را که ارزیابی خطر باید بر آن اساس محاسبه شود منحصرأ متکی بر اطلاعاتی است که بیمه گذار اظهار می نماید. اما در واقع گستره این اصل بیمه گر را نیز در بر می گیرد و او نیز موظف به رعایت این اصل مهم می باشد. بیمه گر باید در تنظیم قرارداد بیمه حسن نیت داشته باشد و در صورتی که قرارداد را به نحوی تنظیم نماید که صرفاً آن چه را به نفع او بوده را در بر داشته باشد می تواند گفت که وی حسن نیت نداشته و به کمک تفسیر قرارداد این نابرابری را باید جبران نمود. اما اگر قرارداد را باطل یا منفسخ بدانیم به نفع بیمه گر است در حالی نباید بیمه گذار به خاطر تقصیر بیمه گر متحمل ضرر گردد بلکه باید به کمک تفسیر، ضرر نیز عامل آن جبران نماید (من له الغنم و علیه الغرم) از اصل حسن نیت در جهت تعادل و توازن در رفتارهای طرف قرارداد با توجه به دگرگونی های عصر حاضر در ایجاد و انعقاد و تفسیر قراردادهای و تغییر شرایط قراردادی استفاده می گردد و همین امر باعث شده است تا اصل مزبور از جایگاه ویژه در حقوق قراردادهای و معاملات برخوردار گردد (زندگی فر، ۱۳۷۸: ۴۴).

ب- الحاقی بودن عقد بیمه:

در عصر کنونی شیوه انعقاد قراردادهای با تحولات چشم گیری روبه رو شده است. در گذشته قراردادهای به صورت رودرو و از طریق مذاکره مستقیم میان طرفین انجام می گرفت و از لحاظ اقتصادی نیز طرفین در موقعیت یکسانی قرار داشتند، اما امروزه برخلاف گذشته با تحولات اقتصادی در اغلب قراردادهای امکان مذاکره درباره شروط قراردادهای و تغییر و تعدیل آنها وجود ندارد و یک طرف قرارداد به دلیل داشتن تجربه و فرصت کافی در تنظیم قرارداد، برخورداری از متخصصان و حقوق دانان خبره، داشتن اطلاعات کافی، توان اقتصادی و... در موقعیت برتر قرار دارد و می تواند شروط مورد نظر را به طرف ضعیف تر « تحمیل کند. بنابراین نحوه اداره چنین قراردادهای که از لحاظ قدرت مذاکره نابرابری چشمگیری بین طرفین وجود دارد، نمی تواند همانند قراردادهای سنتی باشد. به عبارت دیگر در این قراردادهای نمی توان به اصل آزادی قراردادی و حاکمیت اراده استناد کرد، زیرا حاکمیت اراده مربوط به حقوق قراردادهای سنتی بود که در آنها تفاوتی بین اینکه طرفین قرارداد چه کسانی هستند و یا موضوع قرارداد چیست، وجود نداشت. در همه حال قراردادهای از حقوق یکسانی برخوردار بودند. در حالی که تفاوت قدرت اقتصادی و معاملاتی طرفین نیازمند رویکرد ویژه در حقوق قراردادهای است (درویان، ۱۳۸۱: ۲۵). از میان این قراردادهای نابرابر می توان به بیمه نامه اشاره کرد که شرکت های بزرگ در تقابل با منافع مصرف کنندگانی قرار دارند که از جهات بسیاری نسبت به آنان در موضع ضعف قرار هستند. علاوه بر این قرارداد بیمه به دلیل کارکرد اقتصادی شان از اهمیت ویژه ای برخوردارند. این دلایل ضرورت تحولات حقوقی و بازنگری در حقوق قراردادهای خشک و انجام یک سری اصلاحات در قوانین قراردادهای بیمه با هدف حمایت از بیمه گذاران را توجیه می نماید. امروز با گسترش صنعت بیمه موقعیت تغییر کرده است و بیمه گران قدرت مالی بیشتری دارند، بیمه نامه ها هم قراردادهای الحاقی بوده و اصل آزادی قراردادی جای خود را به اصل حمایت از بیمه گذار داده است. بیمه گران نیز چون پیش نویس و شرایط بیمه نامه را تهیه می نمایند، این اقدام باعث میشود زمینه را برای در خطر قرار گرفتن حقوق بیمه گذار فراهم شود. صدور بیمه نامه و تعیین نرخ حق بیمه، به هنگام بروز خسارت بیمه گذار نسبت به موسسه بیمه در وضعیت نامطلوبی قرار می دهد (خوشبخت، ۱۳۹۰: ۳۶).

پ- امانی بودن روابط بیمه گر و بیمه گذار:

روابط بین بیمه گر و بیمه گذار را می توان به عنوان روابطی دانست که ماهیت امانی دارند، در نظر گرفت. بدین صورت بیمه گر امانی است که مأمور تنظیم قرارداد از جانب بیمه گذار است و بر این مینا شخص بیمه گر نباید در این رابطه افراط و تفریط نماید و گرنه در مقابل این اقدام خود باید پاسخگو باشد و بر همین اساس ابهامات موجود در متن بیمه نامه را می توان اماره بر افراط و تفریط او در روابط امانی دانست، در نتیجه این استدلال توجیهی برای حمایت از بیمه گذار در مقابل بیمه گر است و موجب پرهیز آیین یا همان بیمه گر از پیش تازیها می گردد (درویان، ۱۳۸۱: ۲۴).

ت- معیوب تلقی کردن موضوع بیمه: بیمه همانند بیع کالا نیست که قابل مشاهده و ارزیابی باشد بلکه امری غیر مادی و غیر قابل لمس است که در قرارداد بیمه به آن تصریح می شود. جملات و عبارات مبهم قرارداد بیمه همانند عیوب موجود در کالا است و همانگونه که تولیدکنندگان در برابر عیوب کالا مسئول است، بیمه گر هم باید در قبال این عیوب مسئول شناخت. بنابراین این استدلال می تواند مبنای برای اعمال دکترین حمایتی برای تفسیر قراردادهای بیمه باشد (خدابخشی، ۱۳۹۳: ۱۶).

ث- مقتضای عقد بیمه و اصل جبران خسارت:

هر قرارداد را مورد عنایت قرارداده باشد و از تفسیری که منتهی به نفی مقتضای قرارداد شود امتناع نماید. مقتضای عقد بیمه و فلسفه وجودی آن، تامین نظم و امنیت جامعه و آرامش خاطر بیمه گذار در هنگام وقوع حادثه و جبران خسارت است لذا باید قراردادهای بیمه به گونه ای تفسیر شود که این هدف تامین گردد. وگرنه خسارت وارده جبران نشده باقی می ماند و

دستاورد های نوین در مطالعات علوم مدیریت، حسابداری و اقتصاد ایران

بیمه‌گذار و ذی نفع بیمه، دچار عسر حرج می‌گردند. و از طرف دیگر مردم اعتماد خود را نسبت به شرکت‌های بیمه از دست می‌دهند و دادگاه‌های نیز در صدور حکم و اجرای آن با دشواری‌های روبه‌رو می‌شوند. چنین تفسیری را باید مصداق شرط مبطل دانست. چرا که مهم‌ترین اثر عقد بیمه تعهد بیمه‌گر در قبال بیمه‌گذار مبنی بر جبران خسارت احتمالی است. حال اگر به وسیله چنین تفسیری این اثر از عقد بیمه گرفته شود، چنین عقدی مصداق بند یک ماده ۲۳۳ ق.مدنی بوده و منجر به بطلان قرارداد بیمه می‌گردد. زیرا چنین تفسیری تعهد اصلی شرکت بیمه را از بین می‌برد و در نتیجه قرارداد بیمه را بدون عوض می‌نماید. با این توضیح که عقد بیمه هر چند عقدی احتمالی می‌باشد، اما عقد مسامحه‌ای نیست، بلکه عقد معوض است. دارا بودن عوض در ذات عقد معوض قرار دارد. در واقع این تفسیر با قانون و نظم عمومی مخالف است و چنین تفسیری در واقع خلاف مقتضای ذات عقد تلقی می‌گردد. با این تفسیر بیمه‌گر دیگر تعهدی نخواهد داشت بلکه صرفاً حق بیمه‌ای دریافت خواهد می‌کند که در مقابل آن هیچ تعهدی نخواهد داشت. اخیر قانونگذار در برخی موارد، همچون ماده ۱۱ قانون بیمه اجباری شخص ثالث، نسبت به شرط عدم مسوولیت موضوع گیری نموده و چنین شروطی را نامعتبر اعلام کرده است. درج هر گونه شرطی را مزایایی قانونی کمتری برای بیمه‌گر و زیان دیده را باطل اعلام نموده و این ماده هم شرط عدم مسوولیت هم شرط تحدید مسوولیت را دربر می‌گیرد (قاسمی، ۱۳۹۸: ۸۳).

اگر مفاد عقد به گونه‌ای باشد که همه آثار مترتب بر عقد را سلب نماید، به صورت جدی‌تر در تنافی با مقتضای عقد قرار می‌گیرد؛ چرا که خالی بودن عقد از جمیع آثارش مستلزم لغویت عقد است و اماره‌ای است بر اینکه عقد را به صورت جدی و به قصد انشاء از سوی متعاقدين صورت نگرفته است. مقتضای عقد بیمه و فلسفه وجودی آن، تامین نظم و امنیت جامعه و آرامش خاطر بیمه‌گذار در هنگام وقوع حادثه و جبران خسارت است لذا باید به گونه‌ای تفسیر شود که این هدف تامین گردد. وگرنه خسارت وارده جبران نشده باقی می‌ماند و بیمه‌گذار و ذی نفع بیمه، دچار عسر حرج می‌گردند. و از طرف دیگر مردم اعتماد خود را نسبت به شرکت‌های بیمه از دست می‌دهند و دادگاه‌های نیز در صدور حکم و اجرای آن با دشواری‌های روبه‌رو می‌گردند (حمیدیان و همکاران، ۱۳۹۹: ۸۸).

۵-۲- مبانی غیر قراردادی

الف- موقعیت برتر بیمه‌گر از لحاظ اطلاعات :

بیمه‌گران غالباً خبره‌تر و آگاه‌تر از بیمه‌گذاران هستند این ناشی از موقعیت برتر اطلاعاتی بیمه‌گران می‌باشد به عبارت دیگر بیمه‌گران از آن جهت که خود قرارداد بیمه را انشاء می‌نمایند و از طرف دیگر تصدی امر بیمه حرفه و تخصص آنان می‌باشند نسبت به بیمه‌گذاران در موقعیت برتری قرار دارند و یک سری مفاهیم و عبارات در قرارداد بیمه وجود دارد که باعث پیچیدگی بیمه‌نامه شده است و همین امر فهم بیمه‌نامه را برای بیمه‌گذاران دشوار می‌نماید. وضعیت قراردادهای بیمه به گونه‌ای است که افراد متقاضی نمی‌دانند چه چیزی را دارند امضاء می‌کنند تا چه برسد، که به فکر عواقب و حقوق ناشی از آن باشند. بر این اساس طبیعی است که بیمه‌گر در مقام ابراز حسن نیت خود بایستی حقوقی که بیمه‌گذار به موجب بیمه بهره‌مند می‌شوند را برای او بازگو کنند. (با عنایت به ضمانت اجرای ماده ۱۲ ق. بیمه) هم چنین این فرض در مواردی نیز جاری است که بیمه‌گر به قصد تقلب و با ارائه سوالات مبهم و دو پهلو به قرارداد را در حالت مبهم یا مردودی قرار می‌دهد مثل اینکه با درج عبارت چند پهلو که تاب تفسیر متفاوتی دارند، می‌تواند چند معنای متضاد و متفاوت از آن اخذ نمود، قصد آن را داشته باشد از تعهداتی که عهده دار شده‌شان خالی کند. اگر این فرض قرارداد مربوط به مرحله زمانی قبل از وقوع حادثه باشد بیمه باطل و بیمه‌گر ملزم به جبران خسارت اشخاصی می‌باشد که از بابت این امر متضرر می‌شوند. اما در صورتی که این حالت بعد از تحقق حادثه باشد تأیید بطلان قرارداد کمک دیگری به بیمه‌گر متقلب این دامی تا از

دستاورد های نوین در مطالعات علوم مدیریت، حسابداری و اقتصاد ایران

بار تعهدات شانه خالی کند. لذا در فرض صحت قرارداد بیمه و متعهد شدن وی تفسیر عبارات مبهم قرارداد به نفع بیمه‌گذار موجه‌تر می‌باشد. اما اگر قرارداد را باطل بدانیم درست است که می‌توانند از باب تسبیب به بیمه‌گر به عنوان شخص که مسئول جبران خسارت است مراجعه کرد اما چون از امتیازات بیمه بهره‌مند نیست در جبران با دشواری‌های مواجهه گردد (سربازیان و همکاران، ۱۳۹۶: ۱۴۲).

ب- موقعیت برتر اقتصادی: از لحاظ اقتصادی نیز از آن جهت که از محل حق بیمه‌های بیمه‌گذاران سرمایه‌عظیمی به وجود می‌آید که باعث می‌شود در جبرات خسارت دچار تنگ دستی نگردند. این دلایل حمایت از بیمه‌گذاران را توجیه می‌نماید. با توجه به ویژگی‌های گفته شده در مورد قراردادهای بیمه، این نوع از قراردادهای تفسیر خاصی را ایجاب می‌نماید. هدف از تفسیر این قراردادها احراز قصد مشترک طرفین نیست، بلکه هدف اجرای عدالت در این نوع از قراردادهاست. به عبارت دیگر در این نوع از قراردادهای قواعدی وجود دارد که در جهان به آن استناد می‌گردد و ما نیز ناچاریم در تفسیر این نوع از قواعد را رعایت نمایم. یکی از این نوع قواعد، قاعده تفسیر علیه انشاءکننده در قراردادهای بیمه است. این قاعده به معنی تفسیر قرارداد علیه تنظیم‌کننده آن و به نفع طرف مقابل، در مواردی که دارای خلاء و ابهام می‌باشد. مبانی استفاده از این قاعده در قراردادهای بیمه عبارتند از: اصل حسن نیت، ویژگی الحاقی قرارداد بیمه، مقتضی آن و اصل جبران خسارت، موقعیت برتر اطلاعاتی و اقتصادی شرکت‌های بیمه، کاهش موارد ابهام و حمایت از بیمه‌گذاران و ذینفعان و موارد مشابه آن است. استفاده از این قاعده موجب تعادل قراردادی و عدم برخورد زیان دیده و بیمه‌گذار با افسار و تنگ دستی عامل زیان در هنگام وقوع خسارت می‌گردد. دادگاه نیز در برخورد با مسئول حادثه‌ای که دارای پوشش بیمه‌ای است با وسعت نظر خسارات را برآورد می‌کند و شرایط مسئولیت را به نفع زیان دیده تسهیل می‌کند. زیان دیده نیز با اطمینان خاطر از توان مالی بیمه‌گر که نهایتاً خسارت را جبران خواهد کرد با جدیت دعوا را پیگیری می‌کند (شیخی و همکاران، ۱۴۰۱: ۵۱).

۶- نتیجه گیری

زندگی بشر همواره در معرض خطرات و زیان‌های غیر قابل پیش بینی و غیر قابل اجتناب قرار دارد. یکی از مهم‌ترین و پرکاربردترین روشی که انسان برای مقابله با این تهدیدات برگزیده است عقد بیمه است. در عقد بیمه اشخاص با انعقاد قرارداد بیمه با شرکت‌های بیمه، جبران نتایج و خطرات ناشی از موضوع بیمه را به شرکت بیمه منتقل می‌کند. از آن جا که عقد بیمه همانند سایر عقود ممکن است دارای ابهام و اجمال باشد که نیاز به تفسیر اجتناب ناپذیر باشد. اما از آن جا عقد بیمه دارای ویژگی و ماهیتی متفاوت با سایر قراردادهاست که این تفاوت به اصول اساسی حاکم بر عقد بیمه باز می‌گردد. که از جمله این اصول، اصل حسن نیت و اصل الحاقی و تحمیلی بودن عقد بیمه و اصل جبران خسارت هاست. از طرف دیگر مقتضی عقد بیمه، تامین نظم و امنیت جامعه و آرامش خاطر بیمه‌گذار در هنگام وقوع حادثه و جبران خسارت است لذا باید قراردادهای بیمه به گونه‌ای تفسیر شود که این هدف تامین گردد.

با توجه به ویژگی‌های گفته شده در مورد قراردادهای بیمه، این نوع از قراردادهای تفسیر خاصی را ایجاب می‌نماید و دیگر هدف از تفسیر این قراردادها، احراز قصد مشترک طرفین نیست، بلکه هدف اجرای عدالت در این رابطه است: یعنی در این نوع از قراردادهای قواعدی وجود دارد که در دنیا به آن اتکا می‌شود و ما نیز ناچاریم در تفسیر این نوع از قواعد را رعایت نمایم. یکی از این نوع قواعد، قاعده تفسیر علیه انشاءکننده در قراردادهای بیمه است. این قاعده به معنی تفسیر قرارداد علیه تنظیم‌کننده آن و به نفع طرف مقابل، در مواردی که دارای خلاء و ابهام می‌باشد. ضرورت‌های مشترکی موجب شکل‌گیری اراده مشترک بر لزوم استفاده از این قاعده در سیستم‌های حقوقی مختلف شده است که از آن جمله می‌توان به حمایت از طرف ضعیف در قراردادهای ایجاد شفافیت در متن قرارداد و ایجاد تعادل قراردادی اشاره نمود. سیر تاریخی این قاعده معلول

دستاورد های نوین در مطالعات علوم مدیریت، حسابداری و اقتصاد ایران

تغییر تحولاتی است که در ساختار قراردادهای در قرن نوزدهم و بیستم به وجود آمد. شکل گیری و توسعه استفاده از این قاعده عموم معلول گسترش قراردادهای بیمه و توسعه قراردادهای الحاقی و قراردادهای استاندارد است. مبانی استفاده از این قاعده در قراردادهای بیمه عبارتند از: اصل حسن نیت، ویژگی الحاقی قرارداد بیمه، مقتضی آن و اصل جبران خسارت، موقعیت برتر اطلاعاتی و اقتصادی شرکت های بیمه، کاهش موارد ابهام و حمایت از بیمه گذاران و ذینفعان و موارد مشابه آن است. استفاده از این قاعده موجب تعادل قراردادی و عدم برخورد زیان دیده و بیمه گذار با اعسار و تنگ دستی عامل زیان در هنگام وقوع خسارت می گردد. دادگاه نیز در برخورد با مسئول حادثه ای که دارای پوشش بیمه ای است با وسعت نظر خسارات را برآورد می کند و شرایط مسئولیت را به نفع زیان دیده تسهیل می کند. زیان دیده نیز با اطمینان خاطر از توان مالی بیمه گر که نهایتاً خسارت را جبران خواهد کرد با جدیت دعوا را پیگیری می کند.

در قانون مدنی حکم و نص صریحی در خصوص تفسیر قراردادهای وجود ندارد تدوین قواعدی در این خصوص ضروری است فقط در برخی موارد به صورت پراکنده اشاره شده است که همین امر هم موجب ناکارآمدی و سوءاستفاده احتمالی می گردد. به همین دلیل ضروری است که قانونگذار صرفاً به کنترل قضایی اکتفا ننماید و با کنترل تقنینی یا تصویب قوانین مناسب اقدام به وضع مقرراتی جامع در قانون مدنی بنماید و از ارجاع و واگذار کردن شروط به توافق طرفین خودداری نماید زیرا توافق طرفین در رسیدن به عدالت قاصر است. قاعده ای تحت عنوان تفسیر علیه انشاءکننده در قراردادهای بیمه و توجه به ماهیت قراردادهای الحاقی و اعمال این قاعده این قاعده در سایر مواردی که دارای چنین خصوصیتی می باشند. در صورتی که این قاعده به صورت یک ماده قانونی در بیاید موجب خواهد شد که شرکت بیمه و بیمه گران حداکثر تلاش خود را جهت شفاف سازی قرارداد بیمه بنمایند از به کار بردن عبارت مبهم و دو پهلو که موجب ابهامات قراردادی می شود اجتناب نمایند. قراردادن این مسئولیت بر دوش شرکت های بیمه و همچنین انشاءکننده قراردادهای الحاقی منطقی است، چرا که ایشان امکانات و تجربه مناسب تری در این زمینه نسبت به طرف مقابل دارند و حتی دادگاه ها نیز در برخورد با حادثه ای که دارای پوشش بیمه ای می باشد با وسعت نظر خسارت قابل جبران را برآورد می کنند و شرایط مسئولیت را به نفع زیان دیده تسهیل می کنند. زیان دیده نیز با اطمینان خاطر از توان مالی بیمه گر که نهایتاً خسارت را جبران خواهد کرد با جدیت دعوا را پیگیری می کنند.

مراجع

۱. اسلامی، سیدمحمد هادی و فنواتی، جلیل، ترجیح تفسیر علیه تنظیم کننده قرارداد. حقوق تطبیقی (نامه مفید)، شماره ۱۲، صص ۵۱-۵۹، ۱۳۹۸
۲. آناهید، فاطمه و همکاران، تاثیر مکاتب حقوقی در انشاء قرارداد در حقوق ایران و فرانسه، همایش ملی تسامح و مدارا در فرهنگ ایران و اسلام، اصفهان، صص ۱۰۵-۱۱۹، ۱۳۹۵
۳. حمیدیان، حمید و امینی، منصور، مبانی، کارکرد و نقدی بر دکترین تفسیر علیه تنظیم کننده در قرارداد های بیمه، مطالعات حقوقی، شماره ۱۱، صص ۸۱-۹۲، ۱۳۹۹
۴. خدابخشی، عبدالله، بیمه و حقوق مسئولیت مدنی، جلد دوم، چاپ سوم، تهران: انتشارات جنگل، ۱۳۹۳
۵. خوشبخت، مریم، بررسی عقد بیمه در فقه امامیه و حقوق موضوعه، پایان نامه کارشناسی ارشد، رشته حقوق خصوصی، دانشکده معارف اسلامی، تهران: دانشگاه الزهراء، ۱۳۹۰

دستاورد های نوین در مطالعات علوم مدیریت، حسابداری و اقتصاد ایران

۶. درودیان، مجید، بررسی ماهیت قراردادهای الحاقی، پایانامه کارشناسی ارشد، رشته حقوق خصوصی، دانشگاه تهران، مجتمع آموزش عالی قم، ۱۳۸۱
۷. دیلمی، احمد، حسن نیت در مسئولیت مدنی، رساله دکتری، دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران، ۱۳۸۸
۸. زندی فر، سیما، بیمه مسئولیت مدنی، پایانامه کارشناسی ارشد، رشته حقوق خصوصی، دانشکده حقوق، دانشگاه شیراز، ۱۳۷۸
۹. عسکری دهنوی، جواد، نقش حسن نیت در قراردادهای بیمه، پایانامه کارشناسی ارشد، رشته حقوق خصوصی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه خوارزمی، ۱۳۹۱
۱۰. سربازیان، مجید و رستم زاده، سروش، مبانی و کارکرد قاعده تفسیر علیه انشاء کننده در حقوق قراردادها. تهران: دانش حقوق مدنی، شماره ۴، صص ۱۲۳-۱۴۴، ۱۳۹۶
۱۱. شیخی، فاطمه و همکاران، فقه و حقوق ایران و قاعده تفسیر علیه انشاء کننده قرارداد در آن، مبانی فقهی حقوق اسلامی، شماره ۲، صص ۴۳-۵۱، ۱۴۰۱
۱۲. علایی، صابر، مبنا و ماهیت مسئولیت مدنی بیمه گر، پایان نامه کارشناسی ارشد، رشته حقوق خصوصی، دانشگاه غیر دولتی محدث نوری، ۱۳۹۳
۱۳. قاسمی عهد، وحید، مطالعه تطبیقی روش های حمایت از بیمه گذار در قراردادهای الحاقی بیمه در حقوق ایران و آمریکا، پژوهشنامه حقوق تطبیقی، شماره ۷، صص ۷۸-۹۴، ۱۳۹۸